



## اربعین امام حسین(ع) و زیارت قبر آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری

اربعین امام حسین(ع) و زیارت قبر آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری...

اربعین امام حسین(ع) و زیارت قبر آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری در سال 61 هجری قمری

بیستم صفر روز اربعین شهادت امام حسین(ع) و یارانش است. این روز، روز زیارت امام حسین(ع) است و برای آن، زیارت‌های ویژه‌ای از امامان معصوم(ع) نقل شده است. برای استفاده از این زیارت‌ها به کتب ادعیه، از جمله کتاب شریف مفاتیح‌الجنان شیخ عباس‌قمی رجوع نمایید.

در این روز جابر بن عبدالله انصاری وارد کربلا گردید و قبر مطهر امام حسین(ع) را زیارت کرد. او نخستین زایی بود که با معرفت، موفق به زیارت قبر آن حضرت گردید.

جابر بن عبدالله انصاری که در هنگام شهادت امام حسین(ع)، به احتمال زیاد در مدینه حضور داشت و از قیام و شهادت آن حضرت بی‌اطلاع بود، پس از آگاهی از جنایت سپاهیان یزید و شهادت امام حسین(ع) و یاران وفادارش در کربلا، عازم کوفه گردید تا از این رویداد بزرگ، به خوبی آگاه شود.

وی، پس از اطلاع کامل از نحوه شهادت و به دست آوردن نشانی محل شهادت امام حسین(ع)، عازم سرزمین کربلا گردید و نخستین کسی بود که توفیق زیارت قبر امام حسین(ع) را به دست آورد و پایه‌گذار سنت حسنه زیارت مرقد پیشوای شهیدان، حضرت امام حسین(ع) گردید.

در این جا ماجرای زیارت جابر را از کتاب بشارةالمصطفی، به نقل از کتاب منتهی‌الآمال شیخ‌عباس‌قمی بیان می‌کنیم:

عطیة بن سعد بن جناده عوفی کوفی که از روات امامیه است و اهل سنت در رجال، تصریح کرده‌اند به صدق او در حدیث، گفت: ما بیرون رفتیم با جابر بن عبدالله انصاری به جهت زیارت قبر حضرت حسین علیه‌السلام. پس زمانی که به کربلا وارد شدیم، جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد، پس جامه را لنگ خود کرد و جامه دیگر را بر دوش افکند. پس گشود بسته‌ای را که در آن سُد بود و به پاشید از آن بر بدن خود. پس به جانب قبر روان شد و گامی برنداشت مگر با ذکر خدا، تا نزدیک قبر رسید. مرا گفت تا دست مرا به قبر گذار. من دست وی را به قبر گذاشتم. چون دستش به قبر رسید بی‌هوش بر روی قبر افتاد. پس آبی بر وی پاشیدم تا به هوش آمد و سه بار گفت: یا حسین! پس گفت: حَبِيبٌ لَا يُحِبُّ حَبِيبَةً؛ آیا دوست، جواب نمی‌دهد دوست خود را؟ پس گفت: کجا توانی جواب دهی و حال آن که در گذشته از جای خود رگ‌های گردن تو و آویخته شده بر پشت و شانه تو، و جدایی افتاده بین سر و تن تو. پس شهادت می‌دهم که تو می‌باشی فرزند خیرالبیین و پسر سید المؤمنین و فرزند هم‌سوگند تقوی و سلیل هدی و خامس اصحاب کساء و پسر سید النقباء و فرزند فاطمه سیده زن‌ها، و چگونه چنین نباشی و حال آن که پرورش داده تو را پنجه سید المرسلین و پروریده شدی در کنار متقین و شیر خوردی از پستان ایمان و بریده شدی از شیر با سلام و پاکیزه بودی در حیات و ممات. همانا دل‌های مؤمنین خوش نیست به جهت فراق تو و حال آن که شکی ندارد در نیکویی حال تو. پس بر تو باد سلام خدا و خشنودی او. و همانا شهادت می‌دهم که تو گذشتی بر آن چه گذشت بر آن برادر تو یحیی بن زکریا. پس جابر برگردانید چشم خود را بر دور قبر و شهدا را سلام کرد، بدین طریق:

السلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الرُّوْحُ الَّذِی حَلَّتْ بِفِئَاءِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ اَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ، اَشْهَدُ اَنَّکُمْ اَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتُمُ الزَّکَاةَ وَ اَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ جَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِیْنَ وَ عَبَدْتُمُ اللّٰهَ حَتّٰی آتَیْکُمُ الْیَقِیْنُ.

پس گفت: سوگند به آن که برانگیخت محمد(صلی الله علیه و آله) را به نبوت حقه که ما شرکت [داریم شما را در آن چه داخل شدید در آن.

عطیه گفت: به جابر گفتم: چگونه ما با ایشان شرکت کردیم و حال آن که فرود نیامدیم ما وادی‌ای را، و بالا نرفتیم کوهی را و شمشیری نزدیم؟ و اما این گروه، پس جدایی افتاده مابین سر و بدنشان، و اولادشان یتیم و زنانشان بیوه گشته‌اند.

جابر گفت: ای عطیه! شنیدم از حبیب خود رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که می‌فرمود: هر که دوست دارد گروهی را، با ایشان

محشور شود و هر که دوست داشته باشد عمل قومی را، شریک شود در عمل ایشان. پس قسم به خداوندی که محمد(صلی الله علیه و آله) را براستی برانگیخته که نیت من و اصحابم بر آن چیزی است که گذشته بر او حضرت حسین(علیه السلام) و یاورانش.4

به این ترتیب، جابر بن عبدالله انصاری نه تنها خود موفق به زیارت ابا عبدالله الحسین(ع) گردید، بلکه با رفتار و گفتار خود، زیارت امام حسین(ع) و سایر شهیدان کربلا را در میان دوستداران اهل بیت(ع) رواج داد.